مسیحیان اغلب برای داشتن یا درک اراده خدا در تلاش هستند. سؤفاهمات زیر درمورد یافتن اراده خدا به دانستن و درک بهتر اراده خدا کمک خواهند کرد.

۱- ناتوانی در اعتماد کامل به خدای پدر

الف- درک نادرست.

اگر خودم را به اراده خدا بسپارم در نتیجه به قربانی یا رنج منجر خواهد شد پس در واقع نمی‌توانم به خدا اعتماد کنم.

ب- اصـــلاح.

چون در دنیایی شریر که پر از انسان‌های عصیانگر است زندگی می‌کنیم، رنج برای هرکدام از ما اتفاق خواهد افتاد، هم برای مسیحیان و هم برای غیرمسیحیان. درد و رنج فقط با آمدن ثانویه مسیح برای مسیحیان خاتمه خواهد یافت (مکاشفه ۲۱: ۴- ۵). مخصوصا کسانی که از خانواده‌های از هم گسیخته و ناشایسته هستند، توکل به خدا را به عنوان پدر خود سخت می‌یابند، چون پدران انسانی آنها در بعضی مواقع از آنها سؤاستفاده کرده و در بعضی مواقع همیشه غایب بوده است.

در کتاب مقدس خدای کتاب مقدس کاملا با پدر زمینی متفاوت است. «او رحیم، فیاض، دیر خشم، بسیار با محبت است... با ما به حسب خطایای ما جزا نداده است... گناهان ما را از ما دور کرده است... زیرا جبلت ما را می‌داند و یاد می‌دارد که ما خاک هستیم» (مزمور ۱۰۳: ۸- ۱۴). «او هیچ تبعیضی قائل نیست، رشوه نمی‌پذیرد، از یتیمان و بیوه‌ها حمایت می‌کند و غریبه‌ها را دوست دارد...» (تثنیه ۱۰: ۱۷- ۱۸).

توجه کنید که خدا به خصوص از یتیمان دفاع می‌کند. ترس از آنچه ممکن است اتفاق بیفتد را با یادآوری کارهای فوق‌العاده‌ای جانشین کنید که خدا در گذشته برای شما انجام داده است و وعده داده است که در آینده برای شما انجام خواهد داد (فیلیپیان ۱: ۶).

۲- از خدا نشانه‌ای طلبیدن

الف- درک نادرست.

می‌توانم با طلبیدن نشانه‌ای از خدا اراده او را کشف کنم.

ب- اصلاح.

در داوران ۶: ۱۷- ۲۲ جدئون نشانه ای را طلبید و فرشته خداوند مقتدرانه نشانه‌ای به او داد: آتشی از صخره برافروخته شد و قربانی را بلعید. در داوران ۶: ۳۶- ۴۰ جدئون دوباره از خدا خواست که هدایت خود را با دادن نشانه ای تأیید کند. جدئون از پوست پشمی برای تأیید هدایت خدا استفاده می‌کند، اما پوست پشمین جدئون یک اتفاق ماورای‌الطبیعی بود و نه یک اصل روحانی. از ابتدا تا پایان این ماجرا مکاشفه‌ای الهی برای جدئون بود و نه یک نمونه که قوم خدا از آن پیروی کند. خدا پیغامی قاطعانه از طریق فرشته به او داد، یک نشان اقتدار و پیروزی مطلق از طریق گروهی کوچک از مردان.

خدا می‌تواند ما را از طریق شرایط هدایت کند و این کار را می‌کند و بعضی مواقع حتی از طریق شرایط خاصی که ما برای نشان دادن نشانه‌ها از او می‌طلبیم (پیدایش ۲۴: ۱۲- ۱۴) اما وقتی سعی می‌کنیم که هدایت خدا را به طور مطلق در محدوده نشانه‌ها محدود می‌سازیم تبدیل به تلاشی مخفی برای دستکاری وقایع مطابق سلیقه خودمان می‌شود. به علاوه ما اکثر وقتمان را صرف دعا کردن برای موقعیت‌های (نشانه‌ها) خاص می‌کنیم تا ما را هدایت کنند تا اینکه در حکمت کلام خدا خودمان را غوطه‌ور سازیم.

۳- انتظار دعـــــوت خـــــدا

الف- درک نادرســـــت.

من اول بایستی از طرف خدا دعوتی برای خدمتی مشخص و یا خدمت تمام وقت دریافت کنم.

ب- اصـــلاح.

آنانی که وارد یک خدمت تمام وقت برای خدا میشوند به یک نوع دعوت مخصوص تر از آنانی که یک کار دنیوی تمام وقت دارند، احتیاج ندارند.

جامعه می‌گوید: «در راه‌های قلبت... سلوک نما.. از خدا بترس و اوامر او را نگاه دار» (جامعه ۱۱: ۹، ۱۲: ۳). در حالی که خود را به خدا و کلام او وقف می‌کنیم آرزوهایمان، نیازهایمان، تجربه و آموزش، ما را هدایت و به کار مناسبی دعوت خواهند کرد. آنانی که علاقه شدید دارند (اول تیموتاؤوس ۳:۱) و از نظر کتاب مقدس واجد شرایط (اول تیموتاؤوس ۲:۳- ۷، تیتوس ۱: ۵- ۹) ورود به خدمت مسیحی و یا حتی خدمت تمام وقت مسیحی می‌باشند، لازم نیست که منتظر دعوتی اضافی یا استثنایی باشند برای مثال مانند موسی (خروج ۱:۳- ۱۲) یا شاگردان (متی ۴: ۱۷). آنها بایستی با اشتیاق آن جریان را تا آنجایی که خدا اجازه می‌دهد دنبال کنند. اگر خدا برنامه‌های دیگری دارد قطعا باعث وقوع آنها خواهد شد (اعمال رسولان ۳۶:۱۵- ۴۱، ۱:۱۶- ۳). مهمترین چیز این است که درک کنیم که رابطه شخصی‌مان با خدا و نه دعوتمان، منبع واقعی هدف و کمال در زندگی‌مان است. بدون در جستجوی خدا بودن، حتی برجسته‌ترین دعوت الهی نیز بیهوده است.

۴- احساس آرامش در قلبتان

الف- درک نادرست.

درمورد موضوع احساس آرامش می‌کنم، پس می‌دانم که این اراده خداست.

ب- اصـــلاح.

آرامش در احساس ما: احساس آرامش همیشه نشانه خوبی از هدایت خدا نیست. اگر پس از اینکه تصمیمی گرفتیم، بفهمیم که آرامش احساسی است مستقل از ترس یا بدگمانی یا تضاد، در این صورت این نوع آرامش همیشه نشانه‌ای از هدایت خدا نیست. آرامش خدادادی را نمی‌شود صرفا به خاطر آرامش بخشیدن به احساسات یا حتی به مفهوم درست بودن اعمال ما تغییر داد.

آرامش در رابطه‌مان با خدا: حتی تصمیمات درست روحانی باعث اضطراب فراوان می‌شوند فقط به خاطر نتایج مهمی که خواهند داشت برای مثال، ایستادگی در برابر رئیسی نادرست و یا خودداری از شرکت در تجارت‌های غیرقانونی کار درستی است که باید انجام داد، اما ممکن است ما را تمام شب از ترس نتایج آن بیدار نگه دارد.

در کتاب مقدس آرامش تقریبا همیشه مربوط به ارتباط ما با خدا می‌شود. در رومیان ۵: ۱ مکتوب است: «پس چونکه به ایمان عادل شمرده شدیم نزد خدا سلامتی داریم به وساطت خداوند ما عیسای مسیح.» اراده خدا در زندگی یک مسیحی در وهله نخست به ارتباط با خدا و کلام خدا توجه دارد. اگر ما آرامش را اینطور درک کرده‌ایم که اطمینانی آرامش‌بخش در نیکویی و تسلط خداست و اطمینان به قدرت او در همه چیز که برای خیریت آنانی که دوستشان دارد و برطبق اراده او خوانده شده‌اند برای نیکویی آنها در کار است، بنابراین این نوع آرامش، ثمره روح‌القدس است. در اشعیا ۲۶: ۳- ۴ نوشته شده است: «دل ثابت را در سلامتی کامل نگاه خواهی داشت، زیرا که بر تو توکل دارد. بر خداوند تا به ابد توکل نمایید.» اگر آرامش را اینطور درک کرده‌ایم؛ یعنی اعتمادی آرامش‌بخش به کلام خدا و هدایت خدا از طریق کلامش، با وجود عدم اطمینان و بی‌ثباتی احساسی، با وجود مشکلات در شرایط یا مخالفت دیگر افراد، با وجود نداشتن آرامی در احساسات ولی داشتن آرامش در رابطه ام با خدا، بنابراین این نوع آرامش، نشاندهنده

خوبی از هدایت خدا است. در اشعیاءپ ۳۲: ۱۷ نوشته شده است: «و عمل عدالت، سلامتی و نتیجه عدالت، آرامی و اطمینان خواهد بود تا ابدالاباد.»

۵- دریافت آیه‌ای از کتاب مقدس

الف- درک نادرست.

خدا آیه‌ای از کتاب مقدس به من داده پس این اراده خداست.

ب- اصـــلاح.

بعضی اوقات خدا ما را تحت تأثیر یک آیه خاص از کتاب مقدس قرار می‌دهد که به نظر می‌رسد دقیقا با شرایط ما هماهنگ است و ما را هدایت می‌کند یا خدا بعضی اوقات هدایتی را که قبلا داده است با آیه‌ای خاص از کتاب مقدس تأیید می‌کند، اما ما بایستی به عناصر ذهنی در فهرست هدایت‌کننده زیر توجه کرده و آنها را تشخیص دهیم:

عنصر ذهنی در هدایت از طریق آیه کتاب مقدس.

از خود سؤالات زیر را بپرسیم:

- آیا این خداست که صحبت می‌کند و یا من کاری می‌کنم که کتاب مقدس آنچه را بگوید که من دوست دارم بشنوم؟
- آیا سایر اصول کشف اراده خدا، دریافت‌های من را تأیید می‌کنند و یا درمورد صحت آنها تردید ایجاد می‌کنند؟
- آیا فقط در جستجوی آیاتی هستم که به من مربوط می‌شوند و آرزوهایم را تأیید می‌کنند و یا من به کل تعالیم کتاب مقدس توجه می‌کنم؟

- آیا من از کتاب مقدس مانند اسطرلاب و یا استخاره و یا «با روشی آسان برای به سرعت دستیابی به اراده خدا» استفاده می‌کنم یا اینکه کتاب مقدس را دقیق تفسیر می‌کنم و تعیین می‌کنم که خدا قصد دارد من چه چیز را بدانم، ایمان بیاورم، باشم و انجام دهم؟

بعضی اوقات مردم وعده‌هایی را در کتاب مقدس پیدا می‌کنند و آنها را به عنوان تضمینی برای آینده خود تفسیر می‌کنند و زمانی که وقایع آنطور که آنها انتظار داشتند به پیش نمی‌روند از خواب بیدار می شوند و به اعتماد خود به کتاب مقدس شک می‌کنند و شاید حتی خدا را سرزنش کنند که وعده خود را نگه نداشته است. آنها نمی‌فهمند که آنچه خدا گفته است را درست درک نکرده‌اند و به اشتباه آن آیه بخصوص از کتاب مقدس را یک وعده از سوی خدا تفسیر کرده‌اند.

دو سؤال مفید در ارتباط با تفسیر صحیح کتاب مقدس (نبوت‌ها، وعده‌ها، تهدیدات و فرامین...):

- شنوندگان مورد نظر خدا چه کسانی بودند؟ آیا این حقیقت خاص در کتاب مقدس برای همه مردم است (مرقس ۱: ۱۵) یا برای همه مسیحیان (یوحنا ۱۳: ۳۴- ۳۵)؟ آیا این حقیقت خاص کتاب مقدس محدود به شخص خاص (اول تواریخ ۱۷: ۷، ۱۱- ۱۴، مـــرقس ۱۰: ۲۱)، گروهی خاص (اشعیا ۶: ۸- ۱۰، متی ۸: ۱۱- ۱۲)، دورانی خاص (پیدایش ۱۷: ۹- ۱۴، غلاطیان ۶: ۱۲- ۱۴، عبرانیان ۹: ۶- ۱۰، ۱۰: ۱- ۴) و یا یک وضعیت خاص (ارمیا ۱۸: ۱- ۱۷، حزقیال ۳۳: ۱۱– ۲۰، مکاشفه ۲: ۷) است؟

- تأکید این قسمت بر چیست؟ آیا آموزه‌ای تعلیمی است (م.ک. یوحنا ۱۴: ۶)؟ یا عملی تشویقی (یوحنا ۱۳: ۳۴- ۳۵)؟ یا مربوط به تاریخ است (اعمال رسولان ۱۷: ۱۱)؟ آیا آموزه‌ای مربوط به شماست پس بایستی به آن ایمان بیاورید. اگر عملی مربوط به شماست پس بایستی از آن اطاعت کنید. اگر در تاریخ نمونه‌ای بد است، پس بایستی از آن اجتناب کنید، اما اگر نمونه‌ای مثبت در تاریخ است پس می‌توانید از آن نمونه خوب پیروی کنید اما انتظار نداشته باشید که سایرین نیز آن نمونه را دنبال کنند مگر اینکه این نمونه خوب در جایی دیگر در کتاب مقدس تعلیم یا به آن فرمان داده شده است.

۶- دیدن رویـــــا

الف- درک نادرست.

من خواب یا رویایی درمورد آن دیده‌ام، بنابراین می‌دانم که آن موضوع اراده خداست.

ب- اصـــلاح.

خدا روش هدایت را تعیین می‌کند. خدا می‌تواند و بعضی مواقع از طریق معجزه‌آمیز و غیرعادی هدایت کند. او اسرائیل را به وسیله ستونی از ابر یا آتش هدایت کرد (خروج ۲۱:۱۳). او از طریق حرف زدن یک الاغ یک نبی را هدایت کرد (اعداد ۲۱:۲۲- ۳۳) و با یک ستاره مـــردانی حکیم را (متی ۱:۲- ۱۱). او مریم را با ملاقات یک فرشته (لوقا ۲۶:۱- ۳۸) و یوسف را به وسیله یک رویا (متی ۲۰:۱- ۲۱، ۱۳:۲- ۱۴) هدایت کرد. او پطرس و کرنیلیوس را به وسیله رویاها هدایت کرد (اعمال رسولان ۱:۱۰- ۶ و ۹- ۱۶). به هر حال هیچ کدام از این نشانه‌ها را کسی نطلبیده بود، بلکه با اقتدار و با بصیرت و حکمت الهی بخشیده شدند. شما نمی‌توانید از خدا بخواهید که شما را به طریقی اعجازآمیز یا غیر عادی هدایت کند. اگر خدا در حکمش می‌داند که شما به چنین هدایتی نیاز دارید پس مطمئنا آن را به شما خواهد داد، اما اگر شما همیشه به دنبال راه‌های خارق‌العاده و مهیج می‌گردید احتمالا راه‌های معمولی دسترسی به اراده او را که از طریق کلامش در کتاب مقدس است فراموش خواهید کرد.

هدایت با روش‌های غیر عادی نیاز به آزموده شدن دارد. وقتی که رویا یا خوابی می‌بینید باز هم نیاز دارید که آن را با فرامین عینی، ممنوعیت‌ها و تعالیم کتاب مقدس امتحان کنید. آنچه خدا به وسیله رویا یا خواب آشکار می‌کند هرگز با مکاشفه‌اش در کتاب مقدس متناقض نخواهد بود (م.ک. ارمیا ۲۳: ۱۶ و ۱۸ و ۲۱- ۲۲ و ۲۵- ۲۹).

۷- مجازات شدن

الف- درک نادرست.

چون همه چیزهای بد برای من اتفاق میفتند بایستی تصمیم یا انتخابی غلط گرفته باشم پس نتیجه می‌گیرم که من از اراده خدا پیروی نمی‌کنم و خدا من را مجازات می‌کند.

ب- اصـــلاح.

چرا چیزهای بد برای انسان‌های خوب اتفاق میفتند؟ و مردم چه می‌توانند بکنند وقتی از هدایت خدا پیروی نکرده‌اند؟

بعضی مواقع مسیحیان از نتایج گناهان خود در رنج هستند. وقتی ایمان یا نگرش‌های ما با اراده آشکار خدا در کتاب مقدس متناقض است پس شرایط ناخوشایندی را ممکن است تجربه کنیم. اعتراف و توبه از گناهان عمدی ما را احیا می‌کند تا با خدا مشارکت داشته باشیم (اول یوحنا ۱: ۹) اما همیشه نتایج بد تصمیمات و نااطاعتی‌های ما را ازبین نمی‌برد (گناه داوود با بت شبع در دوم سموئیل ۱۱، توبه و بخشش او در دوم سموئیل ۱۲: ۱- ۱۳ و با این وجود، نتایج گناه او در دوم سموئیل ۱۲: ۱۴- ۲۳ و دوم سموئیل ۱۳).

در هر صورت اگر ما در مشارکت نزدیک با خدا سلوک می‌کنیم و متعهد اطاعت از کتاب مقدس هستیم پیروی نکردن از اراده خدا حتی بعضی مواقع سخت‌تر از زمان ایمان آوردنمان است.

اغلب چیزهای بد برای انسان‌های خوب و مسیحیان اتفاق میفتند. ما در دنیای سقوط کرده‌ای زندگی می‌کنیم که هم برای مسیحیان و هم برای غیرمسیحیان در آن درد، مشکلات و رنج وجود دارد (پیدایش ۳: ۱۶- ۱۹). مسیحیان نیز مریض می‌شوند (دوم قرنتیان ۱۲: ۷- ۱۰، دوم تیموتاؤوس ۴: ۲۰) و یا کارشان را از دست می‌دهند. مسیحیان هم رنج و غم ناشی از یکی از افراد خانواده را که از خدا روگردان

شده متحمل می‌شوند (متی ۲۳: ۳۷) و در تجربیات رنج می‌کشند (یعقوب ۱: ۲- ۴) و یا در جفا (متی ۵: ۱۱- ۱۲، دوم تیموتاؤوس ۳: ۱۲).

کتاب ایوب تعلیم می‌دهد که قوم خدا رنج می‌کشند. مفهوم اخلاقی اولیه‌ای که ایوب از خدا داشت این بود که «خدا ترسندگان خود را برکت می‌دهد و بی خدایان را تنبیه می‌کند.» اما سرانجام فهمید که مفهوم او از خدا اشتباه بود و او نمی‌تواند کاملا راه‌ها و اهداف خدا را در ارتباط با رنج درک کند. ایوب مفهوم بسیار بزرگتری را از خدا درک نمود؛ یعنی «حاکمیت خدا» خدا آنچه که می‌خواهد انجام خواهد داد فقط به خاطر اینکه او خداست. حاکمیت او بر رنج، حتی رنج پیروان مطیعش، کامل است خواه دلیلی برای آن بیابد یا نه . ایوب اعلام کرد: «می‌دانم که به هر چیز قادر هستی و ابدا قصد تو را منع نتوان نمود» (ایوب ۴۲: ۲). تنها در آسمان درخواهیم یافت که برای هر آنچه روی داده دلیلی وجود داشته است، اما خدا نه تنها قدرت مطلق، بلکه قدوس، عادل، رحیم و پرمحبت نیز هست. او وعده داده که در هر چیز که اتفاق میفتد او برای خیریت کسانی که با وی رابطه شخصی دارند کار خواهد کرد (رومیان ۲۸:۸).

ارزیابی خود مهم است، اما وقتی مشکلات هجوم آورده، ما را احاطه می‌کنند، نیاز داریم که نترسیم و فکر نکنیم که اراده خدا را دنبال نکرده‌ایم. می‌توانیم باز هم خود را متعهد بسازیم که در اراده خدا بمانیم و بگوییم: «نه اراده من بلکه اراده تو انجام بشود» (متی ۲۶: ۳۹). شرایط هر طور که باشد با ادامه محبت کردن خدا و مردم، قلوب خود را در آرامش حضور خدا قرار می‌دهیم. خدا از قلوب ما بزرگتر است و او می‌داند که «چرا» و «مدت» هر موقعیت را می‌داند (اول یوحنا ۳: ۱۸- ۲۰).